

## مطالعه و نقد جایگاه مفهوم جهاد در مبانی فکری و رفتار سیاسی داعش

محمد جواد فتحی<sup>۱</sup> - زاهد غفاری هاشجین<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

### چکیده

شناخت تحلیلی و انتقادی جایگاه مفهوم جهاد در مبانی فکری و رفتار سیاسی داعش محوریت اساسی مقاله را تشکیل می‌دهد و می‌کوشد تا بر اساس روش کیفی تحلیل تاریخی و اسنادی و ابزار فیش برداری به این سوال اساسی پاسخ دهد که مفهوم جهاد چه جایگاهی در مبانی فکری و رفتار سیاسی داعش دارد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مواردی نظیر نفی جهاد دفاعی و تأکید بر جهاد فتح، قرار دادن جهاد ذیل اصول دین، عرفی و فردی‌سازی جهاد، گسترش دامنه شمولیت جهاد، عدم توجه به قوانین جهاد و تأکید بر خشونت تام و ابتداعیات جدید همانند جهادهای نکاح، پزشکی، کودکان و جهاد سایبری - رسانه‌ای مولفه‌های اساسی دیدگاه داعش نسبت به جهاد را تشکیل می‌دهد. مقوله جهاد از دیدگاه داعش دچار بسط مفهومی شده و مورد استفاده ابزاری قرار گرفته است و نتیجه این برداشت غلط و تحریف شده دینی آنها به شکل انواع اعمال شنیع و وحشیانه بروز کرده است.

**واژگان کلیدی:** جهاد، داعش، سلفی - تکفیری، وهابیت، تروریسم.

---

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران (نویسنده مسئول) f.mjavad@yahoo.com  
۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران z\_ghafari@yahoo.com

## مقدمه

امروزه برخی از گروه‌های بنیادگرا جهت نیل به اهداف خود از ابزار تروریسم و خشونت بهره می‌برند. تروریسمی که امروزه در شعاع جغرافیایی خاورمیانه و شمال آفریقا در حال فعالیت است، گونه‌ای از خشونت سیاسی عریان است و هر چند از ابتدای هزاره سوم میلادی، به طور ویژه در دستور کار امنیتی کشورها قرار گرفته است، منتها شکل اخیر تکفیری آن در این منطقه در پی خیزش‌های تازه در جهان عرب از لایه‌های پنهانی سر برآورده که در قالب تهدید جدی امنیتی به مراتب خشن‌تر ظاهر شده است. وجود شکاف‌های عمیق قومی - مذهبی در خاورمیانه و ژرف‌تر شدن این شکاف‌ها به واسطه جنگ قدرت‌ها و خلأ امنیتی ایجاد شده، منطقه خاورمیانه را به بهشت گروه‌های افراطی همانند داعش مبدل ساخته است. داعش قدرتمندترین و سامان‌یافته‌ترین سازمان تروریستی است که تحت نام شاخه القاعده در کشور عراق، پس از تهاجم سال ۲۰۰۳ آمریکا به این کشور ظهور یافت. قدرت گرفتن داعش در عراق، سوریه و سیطره آن بر بخش‌های گسترده‌ای، نه تنها این دو کشور را با بحران امنیتی و تهدید سرزمینی روبرو ساخته بلکه تهدیداتی را برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده است. عده‌ای بر این اعتقاد بودند که این گروه تروریستی پس از مدتی از بین خواهد رفت، منتها علیرغم گذشت قریب به هشت سال از اقدامات علنی و سازمان‌یافته داعش علیه مردم و دولت‌های مستقر در این کشورها، کماکان پیکره فکری و عملیاتی آن تداوم یافته است. از همین روی ذهن‌ها به سمت برخی ابعاد بنیادی داعش همانند اعتقاد به جهاد و باقرائت خاص خود آنها متبادر می‌شود که از اهمیت زیادی برخوردار است. در مطالعه پدیده تروریسم سازمان‌یافته‌ای همانند داعش، مطالعه همزمان علل خیزش و همچنین پیشینه گروه، رهبران فکری، علل استمرار فعالیت‌ها و مهمتر از همه خاستگاه‌های فکری و نظریاتی، در کنار کنکاش در مؤلفه‌های پیش برنده فعالیت این گروه، از اهمیت زیادی برخوردار است. از این نظرگاه یکی از موضوعات محوری جریان سلفی - تکفیری داعش که به نوعی نقطه ثقل اندیشه سیاسی و استراتژی نظامی آنها نیز به حساب می‌آید، مؤلفه جهاد می‌باشد. شاخصه اصلی داعش استفاده از حربه تکفیر در برابر دشمنان و الگوی عملی مبتنی بر جهاد است که بسامد زیادی در بین مسلمانان ایجاد نموده است. این جریان بیش از سایر مفاهیم بر روی جهاد تأکید دارد؛ آنچه باعث افزایش توان و قدرت ماشین جنگی این گروه شده، استفاده

حداکثری از جهاد؛ بدون توجه به مؤلفه‌های بنیادی آن در فقه شیعه، اهل تسنن و شریعت بوده است. داعش جریانی سیاسی-اجتماعی است که جهت نائل آمدن به مقاصد حکومتی، اعمال جهاد خشونت‌آمیز به صورت مسلحانه و قهری را رنگ و لعاب دینی و اسلامی می‌بخشد. هدف اصلی پژوهش پیش‌رو شناخت تحلیلی و انتقادی جایگاه جهاد در مبانی فکری و رفتار عملی داعش می‌باشد. جهت دست یافتن به این مهم، اهداف فرعی همانند شناخت سرچشمه‌های فکری داعش در مورد جهاد، بررسی آرا و نظرات مفتی‌های داعشی جهاد و بررسی مبانی فکری و اندیشه‌ای جهاد از دیدگاه داعش مورد نظر است. از رهگذر اهمیت این مسئله، سوال اصلی مقاله این است که مولفه جهاد چه جایگاهی در مبانی فکری و رفتار سیاسی داعش دارد؟ روش تحقیق این مقاله کیفی و از نوع مطالعات اسنادی است.

#### چهارچوب مفهومی پژوهش

جهاد رکنی از ارکان دین و بخش مهمی از زندگی هر مسلمانی را به خود اختصاص داده است. جهاد به آدمی حیات می‌بخشد و از آرمان‌های الهی و کرامت انسانی وی پاسداری می‌کند. این مؤلفه در فرهنگ اسلام منزلت والایی دارد و در بین عبادات به مثابه درخشش خورشید نسبت به نور دیگر ستارگان است (آقاباقری، ۱۳۷۶: ۱۷۶). فقهای اسلامی در تقسیم‌بندی خود، جهاد را جزء عباداتی آورده‌اند که نیاز به قصد قربت دارد؛ یعنی مجاهد باید «قربة الی الله» اسلحه به دست گیرد و وارد کارزار مبارزه شود. در قرآن نیز کلماتی که بر جهاد صدق می‌کند، اغلب همراه با جمله «فی سبیل الله» آورده شده است. قرآن شریف به کرات امر به جهاد می‌کند، یا از فضیلت آن سخن می‌گوید و بیشترین آیات این کتاب مقدس بعد از معاد، درباره جهاد است. معنای جهاد از لحاظ شرعی این است که انسان با گذشتن از جان و مال خویش، در راه برتری توحید و کلمه اسلام، پایه‌های رسالت، اقامه شعائر مذهبی و برافراشتن پرچم دین الهی، تلاش و مبارزه کند (نوری، ۱۳۶۶: ۱۵). نکته دیگر اینکه از منظر اسلام همه زندگی و حیات انسان بر مبنای جهاد است. قرآن کریم مؤمنان را به پیکار و جهاد در راه خداوند تشویق می‌نماید و مجاهدان در راه خداوند را بر نشستگان راکد برتری داده است. آنجا که در آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء می‌فرماید:

«لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیراولی الضرر و المجاهدین فی سبیل الله باموالهم و انفسهم،

فضل الله المجاهدین علی القاعدین درجه و کلا وعدالله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما». یعنی اینکه: «مؤمنانی که بی هیچ رنج و آسیبی از جنگ سربر می‌تابند، با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند، برابر نیستند. خداوند کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می‌کنند، بر آنان که از جنگ سر می‌پیچند برتری داده است و خدا همه را وعده‌های نیکو داده است و جهادکنندگان را بر آنها که از جهاد سر می‌تابند، به مزدی بزرگ برتری داده است». علاوه بر این روایات فراوانی نیز از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) درباره اهمیت جهاد نقل شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بهترین کارها نزد خداوند نماز به موقع، سپس نیکی به پدر و مادر و آن گاه جهاد در راه خداست» (نهج الفصاحه، ۱۳). علاوه بر این امیرمؤمنان علی (ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه راجع به اهمیت جهاد می‌فرماید: «جهاد دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان خاص خود گشوده است و آن لباس تقوا و زره محکم حق تعالی و سپر محکم اوست هر که از روی میل و رغبت، جهاد را ترک کند، خداوند جامه ذلت و خواری به او بپوشاند، و مشمول بلا گردد». برخی مواقع مقصود از جهاد در اسلام جهاد ابتدایی است. در جهاد ابتدایی مسلمانان با هدف گسترش دین اسلام در سرزمین‌های کفر، اعتلای کلمه توحید، برقراری احکام اسلامی و نجات انسان‌ها از ورطه گمراهی و جهل به جهاد می‌پردازند. به همین اعتبار جهاد ابتدایی در پاسخ به حمله و هجوم دشمن صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه با هدف عرضه دین اسلام به کافران و گسترش این آیین نجات‌بخش در سراسر جهان انجام می‌گیرد. به جهت اینکه مستکبران از نفوذ تعلیم اسلام به تشنه کامان علم و ایمان ممانعت می‌کنند و جهاد با طاغیان به معنای از میان برداشتن مانع و دفع حاجب جهت رسیدن معارف ناب به محرومان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۹، ۵۸۶). برخی آیات در قرآن در خصوص این قسم از جهاد اشاره شده است. از جمله اینکه در آیه ۲۱۶ سوره مبارکه بقره اینگونه آورده شده که: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ». یعنی اینکه: «حکم جهاد بر شما مقرر شد در حالی که بر شما ناگوار و مکروه است، لیکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شمارید، ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده است». همچنین در آیه ۷۳ سوره توبه اینگونه آمده که: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» یعنی اینکه: «ای پیامبر با کافران و

منافقان جهاد کن و بر آنها بسیار سخت بگیر). با تأمل در مباحثی که در خصوص جهاد ابتدایی اشاره شد میرهن می گردد که هدف اصلی جهان ابتدایی این است که دشمنان اسلام از هیمنه سپاه اسلام ترس داشته باشند و فکر دست اندازی به کیان سرزمین های اسلامی به ذهن آنها خطور نکند. از این رو چنانچه مسلمانان حیات وجودی گستره جغرافیایی و اسلامی را در معرض تهدید ببینند، با توکل به خدا و وعده نصرت، با تمام وجود جهاد ابتدایی را نصب العین خود قرار می دهند. البته در دستور کار قرار گرفتن جهاد ابتدایی منوط به رعایت شرایط ذیل است:

- این جهاد با حضور امام معصوم (ع) و یا نایب خاص او واجب می شود و در زمان غیبت امام که اختیار امور به دست ولی فقیه عادل است - واجب نیست.
- نکته دیگر اینکه احتمال حصول نتیجه، شرط اساسی است.
- دعوت به اسلام قبل از شروع جنگ نیز ضروری بوده و اولویت دارد.
- مرد بودن، توانایی مالی و جسمی (دهقانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

از سوی دیگر بخش زیادی از توصیه های اسلام در خصوص جهاد دفاعی است. هر موجودی از هستی و منافع خود به هر شکل ممکن، دفاع می کند. این موضوع در فطرت انسان و سنت هر جامعه ای نهفته است. زمانی که کافران به کشور یا کشورهای اسلامی یورش ببرند، بر قاطبه مسلمانان دفاع در برابر دشمنان جهت صیانت از دین و کیان خود واجب است و در این راه با وقف مال و جان خود باید از هیچ کمکی فروگذار نکنند. در چنین شرایطی دین واجب می کند که مسلمانان بدون فوت وقت، مقابله نمایند و از قلمرو اسلام دفاع کنند. این جهاد بر هر قشری از جامعه از مرد، زن و کودک که توانایی مقابله در برابر تجاوز را دشمن داشته باشند، واجب است. در جهاد دفاعی اذن و اجازه ولی فقیه لازم نبوده و مسلمانان نباید در انتظار کسب اجازه از وی جهت خنثی نمودن یورش دشمن باشند. در قرآن کریم برخی آیات در خصوص جهاد ابتدایی وجود دارد. از جمله اینکه در آیه ۲۵۱ سوره بقره اینچنین اشاره شده که: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ». یعنی اینکه: «اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین تباه می شد، ولی خدا بر جهانیان فضل و کرم خویش را ارزانی می دارد». همچنین در آیه ۱۹۰ سوره بقره اینگونه اشاره شده که: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ». یعنی اینکه: «و در راه خدا قتال کنید، با کسانی که با شما می‌جنگند».

نهایتاً جهاد با نفس اماره از دیگر اقسام جهادها به شمار می‌آید که به تعبیری برترین نوع جهاد نیز محسوب می‌شود. نفس اماره نیز امر کننده به رذایل است. پیامبر اکرم (ص) جهاد با نفس را جهاد اکبر نام نهاده‌اند (بحار الانوار، ج ۷۰: ۶۵). در باطن انسان همواره میان سه گانه عقل، وجدان اخلاقی و نفس اماره نبردی دائمی برقرار است. به تعبیری بین دو بعد زیبای ملکوتی، بعد شهبوانی و غرایز حیوانی آدمی جدالی سرنوشت‌ساز هست که در مواردی عقل و وجدان اخلاقی فرد بر نفس اماره مستولی می‌گردد و بالعکس.

فقه شیعه در ماهیت جهاد ابتدایی دیدگاه ویژه‌ای دارد؛ اغلب قریب به اتفاق فقهای شیعه تقسیم‌بندی جهاد به دو نوع ابتدایی و دفاعی را همانند اهل سنت پذیرفته‌اند؛ منتها بر خلاف اهل سنت، جهاد ابتدایی را مشروط به امر امام معصوم مبسوط الید دانسته‌اند. فقهای اهل سنت جهاد ابتدایی را در صورت وجود مصلحت اسلام و مسلمانان در آن - که حاکم، چه عادل و چه فاسق، آن را تشخیص می‌دهد- واجب دانسته‌اند. در حال حاضر شاخصه‌ی اصلی داعش، بهره‌گیری از حربیه‌ی تکفیر در برابر دشمنان و الگوی عملی مبتنی بر جهاد است که بیشترین کمک را به تقویت این جریان سلفی - تکفیری نموده است.

### پیشینه پژوهش

موج پژوهش‌ها در خصوص گروه تروریستی داعش همزمان با آغاز بحران سوریه و به ویژه از سال ۲۰۱۳ بوده است. تاکنون مقالات زیادی در پژوهش‌های داخلی و خارجی در خصوص داعش نگاشته شده است. منتها اکثر این تحقیقات به دلایل شکل‌گیری داعش و تأثیر آن بر امنیت کشورها، نظم منطقه‌ای و سیستم بین‌المللی پرداخته‌اند و عده‌ای نیز نظام و تشکیلات داخلی این سازمان را مورد مذاقه قرار داده‌اند و کمتر به بنیان‌های فکری مقوم‌ساز این گروه پرداخته‌اند. در برخی تحقیقات نیز اشارات جزئی و گذرا به مسئله جهاد شده است که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود. از همین روی این مقاله که به صورت اختصاصی بنیان‌های فکری داعش در خصوص مقوله جهاد و ابعاد نوپدید آن را بررسی کرده، در نوع خود نخستین مقاله‌ای است که در پژوهش‌های داخلی و خارجی این مسئله را مورد کنکاش قرار داده است.

علی اشرف نظری و عبدالعظیم المسیری در مقاله «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام: فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی» (۱۳۹۴)، در کنار پرداختن به زمینه‌های سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری داعش در عراق که آن را ناشی از فضای بسته سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشور پس از سقوط صدام می‌داند، به برخی ریشه‌های فکری توحش در داعش می‌پردازد و از افرادی همانند ابن‌حنبل و ابن‌تیمه نام به میان می‌آورد. این مقاله بدون اینکه وارد بحث جهاد شود به وجوه اشتراک و افتراق داعش و القاعده و نهایتاً ارکان داخلی داعش می‌پردازد.

«کالبدشکافی جریان داعش: بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» (۱۳۹۳)، عنوان مقاله‌ای است که الهام حیدری نگاشته است. در این مقاله ریشه‌های فکری جریان تکفیر به شخص ابن‌تیمیه و توصیه‌های وی جهت برپایی دولت برگردانده شده است. در ادامه از علل دیگر همانند عدم نقش‌آفرینی در هرم قدرت، احساس عدم امنیت و تهدید هویت از علل بوجود آمدن این گروه برشمرده است. نگارندگان در بخش‌های بعدی مقاله درصدد پاسخگویی به این سوالات برآمده اند که این جریان چگونه تقویت و پشتیبانی می‌شود؟ منافع تقویت و پشتیبانی از این جریان برای کشورهای حمایت‌کننده چیست؟ همانطور که مشخص هست در این مقاله نیز بجز اشاره‌ای کوتاه به آرای تکفیری - جهادی ابن‌تیمیه، به مسئله جهاد پرداخته نشده است.

زاهد غفاری و قدسی علیزاده در مقاله «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی داعش)»، ابتدا نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی جریان سلفی - تکفیری داعش و انواع جریان‌های سلفی را مورد بررسی قرار داده‌اند. تمرکز اصلی این مقاله بر روی سه مؤلفه خلافت، شهادت و جهاد است. در این مقاله ضمن تفکیک قائل شدن جهاد مد نظر داعش با شیعیان و اهل تسنن تنها به صورت مختصر و کلی به بحث جهاد پرداخته است و بر این اعتقاد است که آرای ابن‌تیمیه تأثیر زیادی بر جهادی‌های امروزی دارد و امروزه نیز ابزار تحقق خلافت است و داعش نیز به انحای مختلف از آن علیه گروه‌های مختلف مسلمانان و غیرمسلمانان بهره می‌جوید.

### ماهیت، روند ظهور و اندیشه سیاسی داعش

داعش گروه تروریستی مسلح است که اجرای شیوه‌های تکفیری را اختیار کرده و ریشه فکری آنها به گذشته‌های دور برمی‌گردد. رهبران فکری این گروه پایه‌گذاری، تشکیل خلافت اسلامی و اجرای شریعت را ابتدا در عراق، سوریه و سپس با پایگاه قرار دادن این دو کشور، سیطره بر کل جهان اسلام را هدف نهایی خود اعلام کرده‌اند. این گروه انشعابی از القاعده محسوب می‌شود که از منظر گرایش‌های عقیدتی و جنبه رفتاری، رویکرد تقریباً یکسانی با القاعده دارد. با این حال رفتارهای این گروه تروریستی رادیکال‌تر و خشن‌تر از القاعده است. هر چند داعش در شکل کنونی محصول بحران سوریه و گسترش اختلافات و منازعات منطقه‌ای بعد از سال ۲۰۱۱ است، منتها مقدمه قدرت‌گیری آن به دوره پس از صدام در سال ۲۰۰۳ در عراق باز می‌گردد. در پی اقدامات نظامی - امنیتی امریکا و متحدانش در جریان جنگ به اصطلاح علیه تروریسم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، پایگاه القاعده در افغانستان از هم پاشید و توانایی جذب نیرو و بسیج این سازمان تا حد زیادی کاهش یافت. از سال ۲۰۰۱ به بعد با پراکندگی اعضای القاعده و ایدئولوژی آن در سطح جهان، دوره‌ای تحت عنوان القاعده‌گرایی به ظهور رسید که برخی با تقلید از اهداف، ایدئولوژی و شیوه القاعده در کشورهای مختلف با تشکیل گروه‌هایی به فعالیت پرداختند (عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۱-۱۵۴). در این راستا با رفتن «فاضل نزال خلالیه» تروریست اردنی الاصل معروف به بی‌مصعب زرقاوی به عراق یک صحنه امیدبخش برای گسترش فعالیت‌های آنچه نسل دوم القاعده در عراق می‌دانند، باز شد. در این زمان زرقاوی به همراه سران القاعده جنگ در عراق را یک فرصت بی‌نظیر جهت جنبش جهانی جهاد برای شکست آمریکا و گسترش منازعه در کشورهای همسایه تحلیل می‌کردند (عباس‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۳). زرقاوی جماعت التوحید و الجهاد را در سال ۲۰۰۴ میلادی تشکیل شد و پس از بیعت با بن‌لادن، گروه وی به القاعده عراق تبدیل شد (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). لازم به ذکر است که زرقاوی در دهه ۹۰ در پاکستان تحت تعالیم *عصام البرقاوی* بنیانگذار گروه سلفی التوحید والهجره الموحدین قرار گرفت و به یک افراطی تکفیری تبدیل شد (آیتی، ۱۳۸۵: ۷۹) که تمام دولت‌های عربی را بدون استثنا کافر قلمداد می‌کرد و اولویت را در جنگ علیه دشمن می‌دانست (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). وی که هدف نهایی خود را در عراق، استفاده از خاک این کشور برای دستیابی به حکومت



اسلامی و تشکیل خلافت اسلامی عنوان می‌کرد، در آغاز با هدف مبارزه با اشغالگران امریکایی، وارد خاک عراق شد و جهاد امت اسلامی را علیه مشرکان و صلیبیون در سراسر جهان ترویج و تبلیغ کرد، رویکردی که خیلی زود مورد استقبال جوانان عراقی قرار گرفت و توانست این گروه را به عنوان قوی‌ترین گروه شبه‌نظامی تبدیل کند، اما خیلی زود برخلاف ادعای اولیه، به ایجاد جنگ فرقه‌ای و مذهبی میان گروه‌های شیعی و اعراب سنی مذهب در عراق روی آورد و از طریق ادعای نمایندگی مردم سنی مذهب به کشتار شیعیان پرداخت که هدفش کشاندن شبه‌نظامیان شیعی به واکنش نظامی و در نهایت شکست روند سیاسی جدید و اخراج نیروهای خارجی بود (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۷۷-۹۸). زرقاوی راهبردهای خود در عراق را در محورهای ذیل خلاصه کرد:

- جدا کردن آمریکا از هم‌پیمانان خود؛
- منع عراقی‌ها از همکاری با اشغال‌گران؛
- انجام دادن حملات وحشیانه برای ایجاد رعب و جنگ روانی و توقف بازسازی عراق؛
- برانگیختن نزاع طایفه‌ای برای تضعیف شیعیان که هدف از آن بازداشتن شیعیان از همکاری با آمریکایی‌ها بود (عطوان، ۱۳۹۱: ۲۰۲).

پس از کشته شدن زرقاوی در سال ۲۰۰۶ «ابوحزمه المهاجر» به عنوان رهبر این گروه تعیین شد، در پایان همین سال پس از کشته شدن المهاجر؛ گروه دولت اسلامی عراق به ریاست «ابوعمر البغدادی» تشکیل شد. ابوعمر بغدادی، در بیانیه رسمی خود دلیل تشکیل دولت اسلامی عراق را چنین اعلام کرد: «با اشغال عراق به دست نیروهای آمریکایی، اختلافات قومی و مذهبی در عراق زیاد شد و کردها، در شمال عراق و شیعیان در مرکز عراق قدرتمند شدند. هر کدام از آنها هم حامیانی از کشورهای خارجی و نیز ارتشی مستقل دارند، اما اهل سنت مظلوم واقع شدند. هدف از تشکیل این دولت احقاق حق اهل سنت است» (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۵). در طی این سال‌ها این گروه به کرات عملیات تروریستی خود را ادامه داد تا اینکه در سال ۲۰۱۰ میلادی پس از کشته شدن ابوعمر البغدادی، شخص دیگری به نام «ابوبکر البغدادی» هدایت گروه را در دست گرفت و تنها گروه‌های داخلی عراق بودند که به خط‌مشی‌های القاعده اعتقاد نظری و عملی داشتند و نهایتاً در سال ۲۰۱۳ عنوان دولت

اسلامی عراق و شام<sup>۱</sup> را برای خود انتخاب کردند (مبینی کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

بر اساس ادعاهای رهبران داعش و بیانیه‌های صادره توسط آنها، این گروه به دنبال احیای خلافت با الگوی خلافت اسلامی در زمان بنی‌عباس می‌باشد. تعریف آنها از سرزمین عراق و شام نیز بر اساس تقسیم‌بندی مرزهای عراق و شام در زمان بنی‌عباس می‌باشد. به این ترتیب که عراق شامل دو منطقه عراق عجم (شامل قسمت شرقی عراق امروزی و مناطق مرکزی و عربی ایران) عراق عرب (شامل مرکز و جنوب عراق فعلی، کویت و بخش‌هایی از عربستان) و منطقه شام اعم از سوریه، بخش‌هایی از ترکیه، اردن، لبنان، فلسطین و مصر، تقسیم می‌شد. مرکز بنی‌امیه در شام و مرکز خلافت بنی‌عباس در عراق بود. بر این اساس باید دولت اسلامی عراق و شام در چنین منطقه جغرافیایی ترسیم و تعریف کرد (اکبری، ۱۳۹۵: ۹). هدف اساسی داعش، احیای حکومت اسلامی و تسلط بر همه مناطق حیاتی و حکم بر مبنای دین با همه اصول و موسسات لازم است. جهاد و به دست گرفتن سلاح تنها راه‌حل برای مواجهه با نظام‌های لیبرال، لائیک و اسلامی غیر همسو است. لذا اندیشه داعش بر مبنای همین قرائت خاص، سنتی و ایدئولوژیک از دین اسلام است و می‌کوشد به راهبردهای تروریستی تکیه کند (نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۵). بحران سوریه و حمایت برخی کشورهای عربی و غربی از معارضان توانست فضای تنفسی خوبی در اختیار داعش قرار دهد تا با تصرف بخش‌های شرقی این کشور، شهر رقه را به عنوان پایتخت خود اعلام کند و از آنجا به سوی عراق پیشروی کند و برخی مناطق مهم عراق از جمله موصل را اشغال نماید.

## مبانی فکری و رفتار سیاسی جهاد از دیدگاه داعش

### الف- نفی قاعده جهاد دفاعی

به اعتقاد قریب به اتفاق مسلمانان، جهاد در اسلام زمانی واجب است که سرزمین‌های اسلامی در معرض تهدید قرار گیرند. در این زمان بر عموم مسلمان جهاد دفاعی واجب است. منتها جریان تروریستی داعش علناً تحریقاتی در این مقوله انجام داده‌اند؛ به طوری که قاعده جهاد ابتدایی را نفی می‌کنند. از یک سو ریشه این عقیده را می‌توان در آرای سید قطب جستجو نمود. سید قطب در انتقاد از کسانی که جهاد در اسلام را تنها مبتنی بر راهبرد دفاعی

۱. الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام

می‌دانند، آنها را شرق شناسانی می‌داند که می‌خواهند ماهیت و هدف اسلام را تغییر دهند. از منظر وی کسانی که جهاد را صرفاً برای دفاع از سرزمین اسلام می‌دانند، هدف اسلام را فراموش کرده و در اصل ارزش اسلام را پایین‌تر از سرزمین‌های اسلامی قرار می‌دهند (قطب، ۱۳۶۸: ۲۱۹ - ۲۱۸). از دیدگاه قطب مسلمانان واقعی کسانی هستند که در راه اعتلای کلمه حق به جهاد مشغول‌اند و جنگ و جهاد جهت رفع فتنه و برقراری عدالت اجتماعی است. به تعبیر وی مسلمانان ابتدا از جنگ بازداشته شدند؛ سپس اجازه یافتند که علیه مهاجمان بجنگند - جهاد دفاعی - و نهایتاً علیه تمامی مشرکان وارد جنگ - جهاد ابتدایی - شوند (شیخ احمد، ۱۳۸۴: ۱۷۵) و اینکه برنامه اسلام این است که تمام طاغوت‌های روی زمین را از میان بردارد و جهاد را کاملاً جدای از دفاع تعریف می‌کند (غروبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱). از منظر سیدقطب برقراری حکومت خداوند بر روی زمین و سلب حاکمیت از کسانی که بر جای خداوند نشسته‌اند و قوانین ساخته دست بشر را با قوانین الهی جایگزین کرده‌اند، تنها با استفاده از موعظه امکان‌پذیر نخواهد بود. سیدقطب اسلام را دینی تئوریک و فلسفی نمی‌داند، بلکه معتقد است که دینی عملی می‌باشد و باید به مورد اجرا گذاشته شود و این هدف میسر نخواهد شد مگر این که موعظه و جنبش‌های جهادی در کنار همدیگر استفاده شوند.

شایسته توجه است که داعش با تأسی از کتاب عبدالقادر بن عبدالعزیز "ملزومات مهیا شدن برای جهاد" تأکید ویژه‌ای به عملیات‌هایی در قالب جهاد ابتدایی دارند. عبدالقادر بر این اعتقاد است که جامعه اسلامی باید جهاد تهاجمی و ابتدایی<sup>۱</sup> را در اولویت قرار دهد و تمامی جوانب امت اسلامی جهت اجرای این مأموریت مقدس<sup>۲</sup> با یکدیگر هماهنگ شوند. یکی از آیه‌هایی که گروه تروریستی داعش برجسته ساخته و بر طبق آن امر به جهاد دفاعی می‌کند، آیه ۱۷۳ سوره توبه است که بر طبق آن خداوند متعال می‌فرماید: «ای پیامبر بر کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها بسیار سخت بگیر». به نظر می‌رسد کاربرد جهاد در اندیشه‌ی سلفی - تکفیری‌های داعش که در دو کشور عراق و سوریه از آن بهره می‌گیرد، از اساس با مبانی اندیشه اسلام بیگانه است. هرچند مستندات جهادگرایی این جریان‌ها به نوعی به فقه اهل سنت باز می‌گردد، منتها واقع امر این است که ویژگی‌های جهادی این گروه‌ها به گونه‌ای تحول

1. Offensive Jihad  
2. Sacred Mission

یافته که حتی با فقه اهل سنت هم تعارضاتی پیدا کرده است. این نوع ایدئولوژی بر جهاد ابتدایی یا همان نبرد تهاجمی با رویکرد شبکه‌ی جهانی تأکید دارد. بر این مبنا، اسلام در ابتدا به مجاهد و جهادگر نیاز دارد و عالمان و دانشمندان اسلامی در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند.

ابوبکر البغدادی رهبر فعلی داعش بر روی جهاد ابتدایی که آن را جهاد فتح می‌نامند تأکید زیادی دارد و تلاش فراوانی انجام داده تا حقانیت این نوع جهاد را به اثبات برساند (نظری و المسیری، ۱۳۹۴: ۹۵). وی به نیروهایش تأکید کرده که هنگام هجوم به شهرها جهت ایجاد رعب و سلب اراده مقامات، مخالفان را به شدیدترین وضع ممکن - مانند گردن زدن، اعدام بوسیله اسلحه، به صلب کشیدن دشمنان برای مدت طولانی در انتظار عمومی - مجازات کنند. به زعم وی اینگونه جهاد، همان جهاد واقعی است. البغدادی اشاره می‌کند که: «بر سختی‌ها صبر کنید و بدانید اجر بزرگی در جهاد است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است. در این جهاد تنها راه برطرف کردن تهدید و برپایی حکومت اسلامی، استفاده از شمشیر است. بر ما واجب است که حکومت اسلامی را بر پا کنیم، مردم ناآگاه هستند و بر ما واجب است که آنها را آگاه کنیم و اکنون حکومت اسلامی این کار سنگین را بر عهده گرفته است» (ساوه- درودی، ۱۳۹۳: ۹۷).

در مقام نقد این مقوله می‌توان به آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره اشاره داشت. در این آیه اینچنین آمده که: «و قاتلو فی سبیل الله الذین یقاتلونکم». یعنی اینکه: «جنگ و قتال کنید، نه با همه آن بی‌اعتقادی‌ها و بی‌دینی‌ها، بلکه با آن دسته‌ای از بی‌اعتقادی‌ها به خدا و روز قیامت که در صدد جنگ با شما هستند». همچنین در آیه ۲۹ سوره توبه، آورده شده که: «و قتلوا الذین لایؤمنون بالله بالیوم الآخر». یعنی اینکه: «با این کسانی که به خدا و روز قیامت اعتقادی ندارند بجنگید». اقدامات قهری و تهاجمی که این گروه تروریستی به نام جهاد فتح در پیش گرفته و اقدام به جنایت‌های هولناکی همانند سربریدن، مثله کردن و صلیب کشیدن افراد و ... می‌کند، از اساس با مبانی اسلامی که ابتدا بر جهاد دفاعی و احتراز از هجوم به سرزمین‌هایی که قصد تجاوز و دشمنی به کیان اسلام را ندارند، در تضاد است.

تأمل در آیات قرآنی و اهداف ائمه در سطح نظری و الگوهای جهادی آنها در صدر اسلام

و تطبیق آن با جنایات جهادی داعش مبرهن می‌گردد که جهاد در اسلام به معنای جهاد و کوشش در راه خدا بوده و سراسر حیات انسان مستلزم نوعی جهاد است. جهاد در معنای نظامی آن در اندیشه اسلامی، نبردی تهاجمی یا دفاعی علیه متجاوزان به دارالاسلام یا فراتر از آن، نبرد علیه هر کسی است که مبانی دینی و اسلامی را عامداً و مستمراً زیر سوال برده باشد. منتها نوک نیزه مقوله جهاد ابتدایی در داعش علیه مسلمانان بی‌گناه است. اعضای این گروه تروریستی به نام جهاد و پیوند زدن اهداف خود به شریعت، دست به تجاوز، قتل و غارت می‌زنند و تنها چیزی که بر آنها صدق نمی‌کند، عنوان جهادگر می‌باشد، بلکه این گروه عده‌ای تجاوزگر به خون مسلمان هستند. دین اسلام همیشه با بدی‌ها و ریختن خون انسان‌ها که قصد هجوم و وارد ساختن آسیب به بلاد اسلامی را ندارند، از در مخالفت وارد می‌شود و مسلمانان را از جنگ‌های متجاوزانه برحذر می‌دارد، مگر اینکه کیان سرزمین اسلامی در ورطه سقوط باشد.

#### ب- محوریت جهاد و قرار دادن آن ذیل اصول دین

جهاد در اندیشه داعش از یک امر فرعی به یکباره در محوریت امورات قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که آنان شهادت در راه جهاد را فریضه‌ای بنیادین می‌دانند که سایر اصول دین منوط به اجرا و پذیرش این قسم به صورت عملی است. این تفسیر از اسلام، اظهار ایمان به خدا و پیامبر را با جهاد برابر می‌داند. از این نظرگاه جهت تغییر حکومت‌ها و اقامه خلافت اسلامی، جهاد بر هر مرد و زن، یک واجب عینی فرض می‌شود و هیچ حجتی برای ترک جهاد، موجه نخواهد بود. ابن تیمیه اولین کسی بود که واژه‌ی جهاد را جزء ارکان اصلی دین قرار داد. بنا به اعتقاد وی جهاد بر حج، نماز و روزه برتری دارد و کسانی که در جهاد شرکت نکنند، کافرند و اولین وظیفه مسلمان بعد از ایمان، جهاد و عمل بدان است (فراتی و شیخ احمد، ۱۳۹۰: ۵). در تمام مناطق تحت تصرف داعش عبارتی از ابن تیمیه تحت عنوان «قوام الدین بکتاب یتهدی و بسیف ینصر» خودنمایی می‌کند که مطابق آن پایداری دین به قرآن هدایتگر و شمشیری است که آن را یاری می‌رساند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳). در واکاوی اندیشه‌های ابن تیمیه در خصوص جهاد؛ موضوع شایان توجهی به نام بدعت وجود دارد. ایشان معتقد است که در اسلام بدعت‌های زیادی به وجود آمده است و او می‌خواهد آنها را بزدايد و به اسلام راستین

زمان پیامبر بازگرداند. از منظر ابن تیمیه هر کس از شریعت اسلامی خارج شود، به اجماع مسلمانان جهاد با او واجب است (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

از جانب دیگر ریشه این طرز تفکر را می‌توان به عبدالله عزام، به عنوان پدر معنوی القاعده نسبت داد. عزام؛ وظیفه یکایک مسلمانان، بعد از ایمان را جهاد و دفاع از سرزمین‌های اسلامی می‌داند و جهاد عملی مهم‌ترین وظیفه‌ای است که در عصر حاضر توسط مسلمانان به دست فراموشی سپرده شده است و علت اصلی وضعیت فلاکت‌بار کنونی مسلمانان، عمل نکردن به جهاد است. از منظر عزام فهم اشتباهی از جهاد در میان مسلمانان شکل گرفته که فکر می‌کنند جهاد هر نوع تلاش در راه خداست و آن را به سحرخیز بودن و خواندن خطبه و سخنرانی و یا خدمت به خانواده و پدر و مادر تفسیر می‌کنند، در صورتی که جهاد صرفاً به معنای قتال است و جهاد با شمشیر، یعنی جنگیدن در راه خداوند جهاد حقیقی است (جوکار، ۱۳۸۶: ۵۴). فراخوانی مسلمانان جهان به جهاد در افغانستان، اعلام این که جهاد وظیفه فردی همه مسلمانان است، موضوع اصلی دو کتاب عزام به نام‌های «دفاع از سرزمین‌های اسلامی» و «الحاق به کاروان» می‌باشد. وی دلایل جهاد را در شانزده بند ذکر می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- جلوگیری از تسلط کافران بر مسلمانان؛
- ادامه دادن راه سلف صالح؛
- جهاد اوج همه چیز در اسلام است؛
- حفاظت از سرزمین اسلامی و جلوگیری از فاسد شدن آن؛
- استقرار جامعه اسلامی؛
- جهاد بهترین شکل عبادت در دین اسلام است و مسلمانان به وسیله آن می‌توانند به بالاترین درجات برسند؛

- سعادت امت و افزایش ثروت آنها در گرو عمل به فریضه جهاد است (Azzam, 2013: 17). از این رو امروزه سازمان داعش با الهام‌گیری از مبانی فکری افراد نامبرده، بر این نظرند که از زمان سقوط آندلس به منظور آزادی شهرهای مسلمان‌نشین، جهاد بر تمامی افراد واجب عینی است و بزرگترین گناه بعد از کفر به خدا، نهی از جهاد در راه خدا به عنوان واجب عینی است (غفاری هاشجین و علیزاده سیلاب، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

در مقام نقد این مؤلفه باید بیان داشت که نبی مکرم اسلام (ص) جهاد اکبر- به مفهوم

مبارزه‌ای نفسانی - را مهم‌تر از جهاد اصغر- یعنی جنگ در کارزار - می‌دانستند. منتها امروزه داعش با جعل مفهوم جهاد ابتدایی، کشتن و ریختن خون مخالفان- را با برچسب‌هایی همانند کافر و مشرک، واجب و خون آنها را مباح می‌دانند و آن را جهاد اکبر نام می‌نهند. از سوی دیگر روی پرچم داعش نام مقدس حضرت محمد (ص) درج شده است. در صورتی که اگر پیرو پیامبر اسلام بودند و اساساً از الگوی رفتاری وی اطلاع داشتند، دست به چنین اقدامات ددمنشانه‌ای نمی‌زدند.

#### پ- عامیانه و عرفی نمودن جهاد

ویژگی دیگر جهادگرایی در مبانی فکری داعش، عوامانه کردن حکم جهاد و استفاده‌ی ابزار از آن است. برخلاف فقه اهل سنت که اذن جهاد را تنها از سوی علما مجاز می‌دانستند، این جریان، مفهوم جهاد را عرفی نموده و آن را به مثابه ابزاری کارآمد در راستای مبارزه علیه دشمنان می‌دانند. رهبران این جریان که دارای صلاحیت و درجه‌ی علمی اندیشمندان سنتی نیستند، برای خود صلاحیت صدور حکم جهاد قائل شدند. رهبران داعش تحت تأثیر اندیشه‌های مودودی، جهاد را وظیفه‌ای فردی برای هر شخص اعلام کرده‌اند (Gunartna, 2002: 86). اعضای این گروه تروریستی، صرفاً با مراجعه‌ی مستقیم به نص دین، خود را مجاز به صدور حکم جهاد می‌دانند. داعش با کنار گذاشتن روحانیت سنتی، ادعای رجوع بی‌واسطه به قرآن و حدیث را دارد که این مسئله نوعی بدعت و تحریف در دین و احکام جهادی شریعت می‌باشد.

#### ت- گسترش دامنه شمولیت جهاد

تکفیر ابزاری جهت بسیج علیه کافرانی است که با دعوت به تبعیت مخالفت می‌ورزند. داعش نیز از همین ابزار به منظور بسیج عناصر خود علیه مخالفان بهره برده است. آنها بر اساس این مفهوم، دنیا را به دو قسمت سرزمین اسلام و کفر تقسیم می‌کنند و همچنین جنگ با سردمداران کفر را واجب‌تر از جنگ با کفار اصلی می‌دانند و جهاد با «کفار نزدیک» از جهاد با «کفار دورتر» واجب‌تر است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). در نگاه‌های معتدل‌تر مانند القاعده در خصوص دارالاسلام و دارالکفر، انعطاف به نسبت روشن‌تری می‌بینیم؛ به این معنا که

مرزهای اسلام و کفر، مرزهای جغرافیایی است و اعلام جهاد نیز فقط علیه کفار خارج از سرزمین‌های اسلامی یا - نیروهای آنها در درون جوامع اسلامی - صورت می‌گرفت، منتها در نگاه داعش، مرزهای جغرافیایی موضوعیت ندارد و مرزهای عقیدتی و ایمانی ملاک عمل قرار می‌گیرد. بر اساس مبانی فکری این گروه، شرک - با مصادیقی چون زیارت قبور، طلب شفاعت از ائمه و ... - در سرزمین‌های اسلامی بدتر از شرک در جوامع غربی، مسیحی و یهودی است و کشتن عناصر مشرک در بلاد اسلامی با اعمال جهادی ضروری است. از این رو تا زمانی که در سرزمین مسلمانان غلبه با قوانین کفار و اجرای احکام آن‌ها باشد، سرزمین اسلامی نیز حکم بلاد شرک را دارد. لذا داعش کشتن آنها را از منکوب نمودن اشغالگران صلیبی واجب‌تر می‌داند و در این بزنگاه باید با تمام قدرت‌هایی که با داعش می‌جنگند جهاد کرد (غفاری هاشجین و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

رگه‌هایی از اندیشه ابن تیمیه در خصوص گسترش دامنه جهاد به چشم می‌خورد. ابن تیمیه شیعیان را نیز جزء گروهی می‌داند که در اسلام بدعت ایجاد کرده و از شریعت خارج شده‌اند. در اندیشه او هر گونه تقرب و توسل به غیر خدا، بدعت در عبادت به حساب می‌آید و درخواست از رسول خدا و طلب حاجت نمودن از ایشان و همچنین طلب شفاعت، بعد از وفات پیامبر، عملی است که خداوند و رسولش آن را تشریح نکرده‌اند و در افعال هیچ‌یک از سلف نیز مشاهده نمی‌شود. بنابراین مبادرت بر این امر، موجب بدعت می‌گردد (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۷۶).

از نگاه داعش نیز هر گونه اجتهادی؛ بدعت و هر شفاعتی شرک است و ختم این معصیت‌ها تنها با اعدام در ملاء عام و اجرای احکام جهادی میسر است. تروریست‌های داعش با تأسی از ابن تیمیه تاکنون مراقب و مقام‌های شماری از پیامبران، شخصیت‌های مذهبی و اولیای دین را در دیرالزور، رقه و شهر حلب سوریه تخریب کرده‌اند؛ آنها با حمله به قبرستان "هشر الطبقه" اقدام به تخریب قبور کرده‌اند. داعش جهت تخریب اماکن مذهبی از گردانی به نام گردان جهادی "نسویه قبور و ضریح" بهره می‌برد. اعضای این گردان که تعداد آنها به ۳۰۰ نفر می‌رسد با استفاده از ماشین آلات سنگین که متعلق به شرکت‌های بزرگ در موصل است و آنها را پس از اشغال نینوا به چنگ آورده‌اند به تخریب اماکن مذهبی تاریخی اقدام



می‌کنند. در واقع داعش با تفکری برگرفته از ابن تیمیه و وهابیان، نماد و نشان اسلامی را مظهر کفر محسوب می‌کند (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۶).

از سوی دیگر گسترش دامنه تکفیر مسلمانان یکی از مهم‌ترین اصول مذهبی وهابیت می‌باشد. امروزه نمود اندیشه‌های محمدبن عبدالوهاب در قالب اعلام جهاد علیه مسلمین به اتهام شرک و بدعت و کافر بودن را می‌توان به صورت عریان در بدنه جریان تروریستی جهادی داعش ملاحظه نمود. او با شکستن حریم ایمان مردم و استفاده از حربه تکفیر و جهاد، جریانی را ایجاد نمود که جهان معاصر را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است (نظام‌الدینی، ۱۳۹۳: ۱۷۴). چنین اندیشه‌ای جهت نیل به هدفش تفکر جهاد را روش برپایی خلافت اسلامی می‌داند و مهمترین ادعای آن تکفیر مسلمانان است. اکتفا نکردن به دعوت صرف، دست بردن به شمشیر به بهانه مباره با بدعت، تخریب قبور و زیارتگاه‌ها و گسترش دامنه تکفیر مسلمانان و تشبیه آنان به کفار، جهال و مشرکان از عقاید محمد عبدالوهاب محسوب می‌شود (فیروزجانی، ۱۳۸۲: ۲۳۵). از منظر عبدالوهاب، نه تنها شیعیان - که به امامان و صالحان اعتقاد دارند - کافر هستند، بلکه خون طیف وسیعی از مسلمانان که دعوت ما به او رسیده باشد، منتها نپذیرد و بر عقیده خود پای فشارد، مباح است (مالکی، ۱۳۷۸: ۱۴۲). از شیخ عبدالرحمان برآک از مفتیان معروف سعودی پرسیده شده که آیا امکان جهاد میان اهل سنت و شیعه وجود دارد؟ ایشان اینگونه جواب می‌دهند: «چنانچه اهل سنت دارای دولت مقتدری باشند و شیعه برنامه شرک آمیز خود را بیان نمایند - مانند اعتقاد به ولایت حضرت علی (ع) بعد از پیامبر گرامی و مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) و توسل به امیرالمؤمنین و امام حسین (ع) در این صورت بر اهل سنت واجب است که علیه شیعه اعلام جهاد نموده و آنان را به قتل برساند» (درتاش، ۱۳۸۷: ۲۰۷). زهادی یکی از علمای اهل سنت است و در رابطه با آیین وهابیت اظهار می‌دارد که: «اگر کسی پرسد که وهابیت از چه مذهبی پیروی می‌کند و هدف نهایی آن چیست؟ در جواب هر دو پرسش می‌گوییم: تکفیر همه مسلمانان» (مالکی، ۱۳۷۸: ۱۸۳).

در حال حاضر نیز داعش جهت نیل به اهدافش تفکر جهاد و توحش را روش اصلی برپایی خلافت می‌داند. هدفی که با خون آمیزش پیدا کرده است. در حقیقت داعش قائل به تفکیک میان مسلمانان و غیرمسلمانان نمی‌شود و با مسلمانانی که از خط‌مشی‌های آنان تبعیت نکنند،

معامله کافر حربی می‌کند. آنچه امروز در شهرهای عراق و سوریه شاهد آن هستیم، از جمله تخریب مساجد و حسینیه‌های شیعیان، قبرهای شخصیت‌های مذهبی در عراق و سوریه یا مراقد صوفیه و برپا کردن دادگاه‌های شرعی و اجرای حدود و اعدام‌های دسته جمعی، جملگی در تاریخ حرکت آل‌سعود که مبتنی بر پایه تفکرات وهابی است، مشاهده می‌شود. این مسئله تأثیرپذیری این گروه از وهابیت و عبدالله عزام را هویدا می‌سازد. بنا به عقیده آنها مشرکان زمان حاضر از مشرکان عصر جاهلیت بدترند؛ چرا که آنان فقط در زمان آسایش شرک می‌ورزیدند، منتها در شرایط سختی به خداوند روی می‌آوردند، منتها مشرکان امروزی هم در زمان آسایش و هم در تنگنا شرک می‌ورزند. البته به نوعی ریشه این مفهوم را می‌توان به خوارج نیز نسبت داد (فراتی و شیخ احمد، ۱۳۹۱: ۶). داعش در جهاد مسلحانه از سید قطب پیروی کرده و به تأسی از زرقاوی شیعیان را دشمن اصلی خود معرفی می‌کنند. به بیانی آنان شیعیان و صوفیانی که برای بزرگان خود مقامی همسان بلکه بالاتر از اصحاب پیامبر قائلند، را کافر می‌پندارند (غفاری هشجین و علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۱). لذا به منظور حفظ حریم سلفیان جهادی، جنگ و جهاد با شیعیان و حاکمان سکولار واجب است. نکته دیگر اینکه سید قطب دولت‌های مستقر در کشورهای اسلامی را با دولت‌های قبل از اسلام یکی دانسته و آنها را نیز جاهلی نامید، از این رو هر جامعه‌ای که اسلامی نباشد، ذیل جوامع جاهلی و کافر قرار می‌گیرد. به همین اعتبار، یکی از مهمترین تغییراتی که سید قطب متوجه مرزهای سیاسی اسلام کرد، این بود که او به جای مفاهیم سنتی چون دارالاسلام و دارالکفر، از مفاهیم جامعه اسلامی و جامعه جاهلی بهره گرفت. در حالی که کسانی همچون مودودی تنها جوامع کمونیستی و غربی را جوامع جاهلی دانسته و تکفیر می‌کردند، و جوامع مسلمان را از این مفهوم خارج می‌کردند، منتها سید قطب اولین کسی بود که جوامع معاصر مسلمان را نیز وارد این مفهوم کرد.

در همین رابطه زرقاوی نیز بر این اعتقاد بود که هر کس مانند این گروه فکر نکند و عقیده مخالف داشته باشد، کافر بوده و ریختن خونس مباح است. وی جهاد را از سایر عبادات دینی چون؛ نماز و روزه و حج مهمتر دانسته و معتقد بود مسلمانانی که در عمل به جهاد نپرداخته‌اند، اسلام را درک نکرده‌اند. به گمان وی، کسب رضایت خداوند در بسیاری از مواقع بدون رسیدن به این مرحله جان‌فشانی‌ها و خون‌فشانی‌ها میسر نخواهد شد (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۲۱۲-۲۱۴). زرقاوی با گسترده کردن دامنه دشمنان خود که در ابتدا فقط شامل صلیبیون، غربی‌ها و

آمریکایی‌ها بودند، کردها، وابستگان دولت عراق و شیعیان را نیز در کنار آنها قرار می‌دهد و طی تقسیم‌بندی پنج‌گانه‌ای که از اهل سنت ارائه می‌دهد (عامه علما و نخبگان، اخوان، مهاجر و مجاهدان مهاجر) همه را بجز مجاهدان در این دایره جای می‌دهد (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۹۶). اما در این میان وی به عنوان یکی از سلفیان تکفیری رادیکال برای گروه خود، در جنگ و کشتار شیعیان اولویت خاصی قائل بود و جهاد با شیعیان را از اهم وظایف می‌دانست. وی همچنین تمامی حکام عربی را کافر و فاسد خواند و پیوستن به صفوف جهادی را بزرگترین فضیلت بر روی زمین اعلام نمود (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴۹). ایشان نظریه‌ای به نام «دشمن نزدیک» دارد که بر طبق آن باید جهت از میان برداشتن و محو حاکمان فاسد و پیاده نمودن «احکام اسلامی» جهاد کرد. زرقاوی جهاد با یهودیان و صلیبیان را به بعد از پاکسازی جوامع اسلامی از مشرکان و کافران داخلی موکول می‌کند. اساساً به قدرت رسیدن زرقاوی مساوی با شناخته شدن شیعیان به عنوان دشمن نزدیک بود. از این نظرگاه وی دشمن اول خود را شیعیان نامید و رسماً شیعه را منافق معرفی کرد و عموم آنها را به مثابه دشمن نزدیک تکفیر کرد و کشتن آنها را جایز شمرد (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۶۶). وی در همین رابطه می‌گوید:

شیعیان به عنوان دشمنان خونی ما و مخالفان در کمین نشسته و عقرب‌های حيله‌گر هستند، ما اکنون به جنگ با دشمن کافر و جنگ دشوار با دشمن حيله‌گری که لباس دوست بر تن کرده و به همدلی دعوت می‌کند، ولیکن شرور است و ارث اختلاف درونی را به میراث برده، می‌پردازیم. یک ناظر جستجوگر درک می‌کند که شیعیان خطری آشکار و حقیقی هستند. پیام تاریخ که واقعیت نیز آن را تصدیق نموده، این امر را روشن ساخته که تشیع، دینی جدا از اسلام است و با یهود تحت شعار اهل کتاب و مسیحیان ملاقات می‌کنند، شرک نمایان شیعیان تا جایی است که قبرها را می‌پرستند و در اطراف قبور ائمه طواف می‌کنند، به حدی رسیده‌اند که یاران پیامبر را کافر می‌دانند و به مادر مؤمنان و صالحان این امت دشنام می‌دهند و قرآن کریم را جعل می‌کنند (ماهنامه چشم‌انداز ایران، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

لازم به ذکر است که زرقاوی ایده کافر قلمداد کردن و مباح شمردن خون شیعیان را از ابن تیمیه به عاریت گرفته است. فتوای جهادی داعش تنها در خصوص شیعیان صدق نمی‌کند، بلکه اهل تسنن را هم در بر می‌گیرد. بنا به اعتقاد داعش، چون اهل سنت جهاد را تعطیل کرده‌اند، پس کافر هستند و تعطیلی عملی حکم خداوند به معنای انکار آنهاست. چنین تفکری

امروزه در داعش به منصف ظهور رسیده و مخالفان خود را با حربه تکفیر از میدان بیرون می‌کنند و جهاد با مسلمانان مهم‌ترین بخش اعتقادی آنان بوده است (عدالت نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

ابوبکر ناجی به عنوان یکی دیگر از نظریه‌پردازان جهادی داعش قائل به وسعت دادن به دامنه جهاد است و مبارزه با دشمن نزدیک یعنی مسلمانان را واجب‌تر از قدرت‌های خارجی می‌داند. وی بر این اعتقاد است که: «دنیاى غرب تمایلی جهت به راه انداختن یک جنگ طولانی ندارد. ایالات متحده آمریکا نیز به عنوان آخرین پایگاه کافران، اراده‌ای به منظور حفظ برتری نظامی در مدت زمان طولانی از خود نشان نمی‌دهد، منتها مانع واقعی در مسیر برپایی حکومت الله در واقع در میان خود مسلمانان نهفته است» (فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۶۷) تنها دغدغه<sup>۱</sup> ناجی در کتاب مدیریت توحش، جهاد با دشمن نزدیک، حاکمان مسلمان مرتد و سکولار است. وی اسامی چند کشور از جمله اردن، عربستان سعودی، یمن، شمال آفریقا، نیجریه و پاکستان را به عنوان کشورهای مناسب و بالقوه برای فریضه جهاد فهرست می‌کند (Gerges, 2015).

درخور توجه است که گرچه داعش خود را گروه جهادی می‌نامد، منتها علیه مسلمانان می‌جنگد و در واقع هدف اول این گروه جهاد در مقابل مسلمانان می‌باشد و جان، مال و نوامیس آنها را نشانه رفته است. جامعه هدفی که داعش آن را شایسته جهاد و تکفیر می‌داند، با شک و تردید همراه است؛ چرا که این جوامع شامل مسلمانانی می‌باشد که به وحدانیت خداوند اعتقاد دارند و اینکه نبی مکرم اسلام و پیغمبری وی را قبول دارند.

### ث- نفی قواعد جهاد و تجویز خشونت تام

جهاد دارای قواعد خاصی از جمله عدم کشتار غیرنظامیان و آداب ویژه برخورد با اسرا می‌باشد. منتها داعش به این قواعد پایبند نبوده و کشتار مردم بی‌گناه را نیز مجاز دانسته‌اند. آنها به صغیر و کبیر، نظامی، غیرنظامی و زن و مرد رحم نمی‌کنند و در جهان‌بینی جهادی آنها برنامه اخلاقی و انسانی محلی از اعراب ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴). این گروه جهت مشروع‌سازی اقدامات خود مثال‌هایی از جهادهای صورت پذیرفته در صدر اسلام نیز ذکر می‌کنند. به عنوان نمونه داعش ماجرای یکی از فرماندهان حضرت محمد (ص) به نام «خالد بن الولید» را نقل می‌کند که در قرن هفتم میلادی در منطقه اولایس عراق، صدها اسیر خود را

کشت؛ چرا که در مقابل خدا قسم خورده بود که چنانچه سپاه ایران را شکست دهد، رودخانه ای از خون به راه خواهد انداخت. پس از شکست سپاه هنگامی که مشاهده کرد به تعداد کافی انسان برای به راه افتادن رودی از خون کشته نشده بودند، اقدام به کشتن اسیران نمود و در پیچه سد آبی را بر اجساد در حال خونریزی گشود. داعش این داستان را نقل می کند و می گوید که پیامبر اسلام (ص) به این فرمانده لقب «شمشیر آخته خداوند» داده بود (حدادپور جهرمی، ۱۳۹۳: ۴۸). حال باید توجه داشت که نبی مکرم اسلام این جمله را بیان نکرده اند، بلکه عمر، خلیفه دوم، خطاب به خالد بن الولید می گوید: «تو شمشیر خدا و رسول خدا هستی» (ابن خلدون ج ۲: ۵۰۹).

تمرکز داعش بر ارباب را می توان به یکی از آبخشورهای فکری تجویز کننده خشونت یعنی سید قطب ربط داد. سید قطب به شدت بر جهاد و بهره گیری از زور جهت نائل آمدن به هدف تأکید دارد (Meddeb, 2003: 10-105). قطب اولین بار جهاد را وارد ادبیات گروه های نظامی اسلام گرا کرد. بنا به اعتقاد قطب مسلمان واقع کسی است که در راه اعتلای کلمه حق به جهاد مشغول باشد (قطب، ۱۳۷۲: ۳۹) و برقراری حکومت خداوند بر روی زمین و سلب حاکمیت از کسانی که بر جای خداوند نشسته اند و قوانین ساخته دست بشر را با قوانین الهی جایگزین کرده اند، تنها با استفاده از موعظه امکان پذیر نخواهد بود. سید قطب اسلام را دینی تئوریک و فلسفی نمی داند، بلکه معتقد است که دینی عملی می باشد و باید به مورد اجرا گذاشته شود و این هدف میسر نخواهد شد مگر این که موعظه و جنبش های جهادی در کنار همدیگر استفاده شوند. از این حیث وی با کنار هم گذاشتن اصطلاحات دو گانه موعظه و جنبش جهادی به تبلیغ اسلام از طریق حربه شمشیر و کتاب می پردازد و هر دو را لازم و ملزوم یکدیگر قرار می دهد. از نظر وی هر یک از این دو ابزار، یعنی شمشیر و کتاب، جایگاه و کاربرد خاص خود را در تاریخ اسلام داشته اند و شمشیر جهت به انقیاد درآوردن سرزمین های غیراسلامی، مشرکین و کافران داخلی به کار گرفته شده است و کتاب نیز جهت به اسلام آوردن مسیحیان و یهودیانی - که به زور وادار به گرویدن به اسلام نمی شدند - کاربرد دارد (مرادی، ۱۳۸۲: ۲۱۳). شجاعت، عدم هراس و بی اهمیت بودن جان و ارزش والای مرگ، به لحاظ روانشناسی پتانسیل روانی زیادی ایجاد نموده که نیروهای رزمی بی باک، خشن و در

عین حال سرسخت داعش نمود عینی این مسئله است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۴). داعش هم اکنون با استناد به کتاب نواقص الاسلام محمد عبدالوهاب، به تخریب قبور اولیای الهی و کشتن پیروان آنها می‌پردازند (ابراهیم نژاد و فرمانیان، ۱۳۹۳: ۱۳). در همین رابطه می‌توان به واقعه غم‌انگیز هجوم وهابی‌ها به کربلا و قتل عام اهالی شهر اشاره داشت که امروزه نصب‌العین گروه تروریستی داعش قرار گرفته است. ابوطالب اصفهانی در سفرنامه خود می‌نویسد: «هنگام برگشت از لندن و عبور از کربلا و نجف دیدم که قریب بیست و پنج هزار نفر وهابی وارد کربلا شدند و با سر دادن صدای «اقتلوا المشرکین و اذبحوا الکافرین»<sup>۱</sup>، بیش از پنج هزار نفر را کشتند و زخمی‌ها حساب نداشت، صحن مقدس امام حسین (ع) از لاشه مقتولین پر و خون از بدن‌های سر بریده شده روان بود». امروزه در شهرهای مختلف عراق و سوریه شاهد اقدامات مشابه وهابی‌ها توسط داعش می‌باشیم. این گروه به هیچ کدام از قواعد جهاد در اسلام توجه نمی‌کند؛ تکفیر داعش، کودکان خردسال، مادران و زنان بی‌گناه، مردان غیرنظامی و پیرمردان بی‌دفاع و غیرقابل تحرک را نیز در بر می‌گیرد. از این رو مبرهن می‌گردد که این گروه انجام هر کاری از طریق علنی و رسمی، غیررسمی و مخفیانه که با هدف ایجاد خلافت اسلامی باشد، را جهاد مقدس تلقی می‌کنند (عدالت نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

در این خصوص جریان سلفی - تکفیری داعش نیز مفهوم بدعت که مستحق برخورد جهاد است را به طرز عجیبی وسعت داده‌اند و به وضع قوانین افراط گرایانه‌ای پرداخته‌اند. در این میان آنها با توجه به شباهت فکری خویش با وهابیون در بسیاری از موارد مانند آنها عمل کرده‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از: شمشیر کشیدن به روی مسلمانان و ذبح کردن آنان، ویران کردن مناطق متصرفی و قبور صحابه و زیارتگاه‌ها، مباح دانستن خون زنان، کودکان و سالمندان (خبرگزاری فارس نیوز، ۱۳۹۲/۹/۶).

ابوبکر ناجی که زمانی سرپرست اتاق فکر القاعده بود، در حال حاضر به عنوان نظریه پرداز خشونت معروف شده است. وی در سال ۲۰۰۴ کتابی به زبان عربی تحت عنوان «مدیریت - وحشی‌گری»<sup>۲</sup> منتشر کرد. این کتاب در واقع یک استراتژی و دستورالعمل خشک برای جهادی‌های داعشی محسوب می‌شود و دیگر مانیفستی روشنفکرانه جهت تسخیر کشورهای

۱. مشرکان را بکشید و کافران را ذبح کنید.

جهان به شمار می‌رود و حکم انجیل را برای گروه تروریستی داعش دارد. بخش اعظم کتابش در باب هنر جنگ، اداره، سازماندهی و زدودن تردید نیروها در اعمال خشونت است. ناجی بهترین شیوه‌های جنگی جهت گسترش قلمروی خلافت را در خشونت فراوان، ارباب سربازان دشمن، تبلیغات و جنگ روانی معرفی می‌کند (عشوری مقدم، ۱۳۹۴: ۴). ناجی همچنین بیان می‌دارد که: «ما باید این جهاد را در نهایت خشونت به پیش ببریم. راه پیروزی بردشمنان همان اعمال خشونت شوک‌آور و عریان است. ما باید دشمن را قتل عام و او را به وحشت بیاندازیم». از دیدگاه ناجی، گروه‌های تکفیری - جهادی در زمان‌های گذشته فاقد یک طرح استراتژیک بودند و اقدامات عاری از خشونت را بدون هیچگونه «استراتژی نظامی فراگیر»<sup>۱</sup> یا طرحی جامع<sup>۲</sup> به پیش می‌بردند. ناجی بیان می‌دارد که بدترین شرایط هرج و مرج در یک جامعه، بهتر و مفیدتر از شرایط ثبات و آرامش تحت زعامت یک حکومت مرتد و کافر است. وی هم‌مسلمانان اسلام‌گرای<sup>۳</sup> خود را به دلیل به هدر دادن وقت خود و تلاش جهت موعظه<sup>۴</sup> و پند به جای اقدام عملی به جهاد به شدت مورد سرزنش قرار می‌دهد. ناجی طرحی گسترده مشتمل بر سه مرحله ارائه می‌دهد که در آن توحش از دو جهت کمی و کیفی تشدید خواهد شد. درخور توجه است که در وهله اول، با اقدامات جهادی علیه اهداف استراتژیک و اقتصادی مانند تأسیسات نفتی و زیرساخت‌های صنعت توریستی اراده دشمن شکسته شود. هنگامی که نیروهای امنیتی دشمن به بسیج منابع جهت حفاظت از این اهداف حساس اقدام می‌کنند دولت تضعیف شده و قدرت آن رو به تحلیل می‌رود و شرایط مساعدی جهت هرج و مرج و خراب‌کاری<sup>۵</sup> میسر می‌گردد. در این هنگام گروه‌های جهادی با آغاز یک حمله همه‌جانبه علیه نیروهای امنیتی پراکنده و تضعیف شده دشمن، قادر خواهند شد از خلاء امنیتی ایجاد شده، حداکثر استفاده را ببرند. هنگامی که حاکمان سرنگون می‌شوند، مرحله دوم که همان مدیریت توحش<sup>۶</sup> آغاز می‌شود و در نهایت مرحله نهایی که توانمندسازی هست تأسیس دولت اسلامی<sup>۷</sup> را خواهیم داشت (Gerges, 2015).

1. Comprehensive Military Strategy
2. Master Plan
3. Fellow Islamists
4. Preaching
5. Savagery and Chaos
6. The Administration or Management of Savagery
7. The Establishment of the Islamic State

تجویزهای ابوبکر ناجی که در نهایت دقت، خشونت را تئوریزه می‌کند؛ منطقی جهت اعمال خشونت و قساوت ارائه می‌دهد و اکنون به ستاره راهنما گروه تروریستی داعش جهت اعمال جهادی مبدل شده است. درخور توجه است که این رساله کاملاً بر اساس آثار ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب نگاشته شد است. ناجی نیز به تأسی از ابن تیمیه خشونت را عنصر ذاتی کشمکش‌های جهادی ذکر می‌کند و جهاد را مرحله‌ای لازم جهت استقرار خلافت اسلامی می‌داند. از منظر ناجی جهاد در کل فرهنگ مرگ است، کشتن و سر برید کافران اوج فداکاری بوده و امری مبارک و خجسته به شمار می‌رود.

در مقام نقد باید بیان داشت که علیرغم اینکه در اسلام، جهاد امری پسندیده است، منتها خروج از اعتدال و روی آوردن به تفریط امری مذموم است. از این نظر گاه داعش به غلط خود را برحق می‌داند و چنان دایره مسلمانی را تنگ کرده اند که مسلمانان غیرهمسو با عقاید خود را تکفیر می‌کنند. اسلام با خونریزی قربانی ندارد و آن چیزی که در سطح رفتاری گروه تروریستی داعش بدیهی است، سنخیتی با آموزه‌های اسلامی و سیره پیامبر اسلام (ص) ندارد. همچنان که قرآن در اجرای استراتژی جهاد مراحل را قرار داده به این صورت که ابتدا امر به دعوت می‌کند و سپس در دفاع از مسلمانان و اسلام و نهایتاً در مرحله آخر به جنگ و قتال دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶۶). چنانچه خداوند در آیه ۹۰ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، خدا راهی - برای تجاوز- شما بر آنان قرار نداده است». لذا واضح است که جنایات داعش، مانند مثله کردن، شکنجه نمودن اسیران، تهیه فیلم از صحنه جنایت، استراتژی زمین سوخته، با هیچ یک از اصول اسلامی همخوانی ندارد. نکته دیگر اینکه داعش نام مبارک حضرت محمد (ص) را بر روی پرچم خود درج نموده‌اند. در صورتی که پیامبر اسلام، مایه رحمت برای جهانیان بود. بر اساس سیره عملی پیامبر، هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند، مسلمان بوده و خون، مال، ناموس و آبروی او محترم است. منتها داعش به مصداق بارز وحشت جهانیان مبدل شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴). بنابراین مطابق دین مبین، روش دعوت حضرت محمد (ص) و ائمه هدی (ع) راه اسلام آوردن صراحتاً منطوق و موعظه معرفی شده و مخالف با برکشیدن شمشیر، خونریزی و اجبار جهت ایمان آوردن بوده‌اند. در همین رابطه در آیه ۱۲۵



سوره مبارکه نحل اینگونه آمده که: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن».

### ج- ابداعات جدید در جهاد

داعش ضمن تحریف عامدانه اندیشه‌های جهادی، اقدام به ابداع انواعی از جهاد نموده که هیچگونه پیشینه‌ای در اسلام ندارند. رهبران فکری این گروه نیک می‌دانند که بدون ابداع مفاهیم جذب‌کننده، جهاد فتح به پیش نمی‌رود. از این رو ما با مفاهیم جدیدی مواجه می‌شویم که اهداف سیاسی این گروه موجب ظهور آن گردیده است. در ذیل به برخی از این ابداعات اشاره می‌شود:

**جهاد نکاح:** یکی از ابداعات داعش ترویج بحثی به نام جهاد نکاح می‌باشد که تقریباً پس از ظهور داعش مطرح گردید. جهاد نکاح اشاره به رابطه جنسی جهادی‌های داعشی با بانوانی دارد که به زور و اجبار جهت رفع نیازهای جنسی آنان وادار می‌شوند. این فتوا منصوب به شیخ محمد العریفی است. به ظاهر شیخ عریفی در این فتوا گفته که بهترین جهادها، جهاد نکاح است و ازدواج بین مجاهدین و زنان می‌تواند، تمایلات شهوانی این جنگجویان را برآورده سازد و عزم آنها را جهت جنگ با دولت بشار اسد افزایش دهد. وی همچنین در این فتوا بهشت را به آن دسته از زنانی که به این نوع ازدواج با نظامیان رضایت می‌دهند وعده داده است (خبرگزاری مشرق، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲). پس از این فتوا بسیاری از مفتی‌های وهابی دیگر کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی نیز در اظهارنظرهای مختلفی از چنین فتوایی حمایت کرده و خواستار افزایش جهاد نکاح زنان شده‌اند. این گروه جهت ترغیب و جذب داوطلبان جهادی و در راستای تقویت جبهه خود در عرصه جهاد فتح، اقدام به ترویج این عمل در فضای مجازی کرده است که سابقه‌ی مستند و موثقی در اسلام نداشته و چنین اقداماتی نهی شده است.

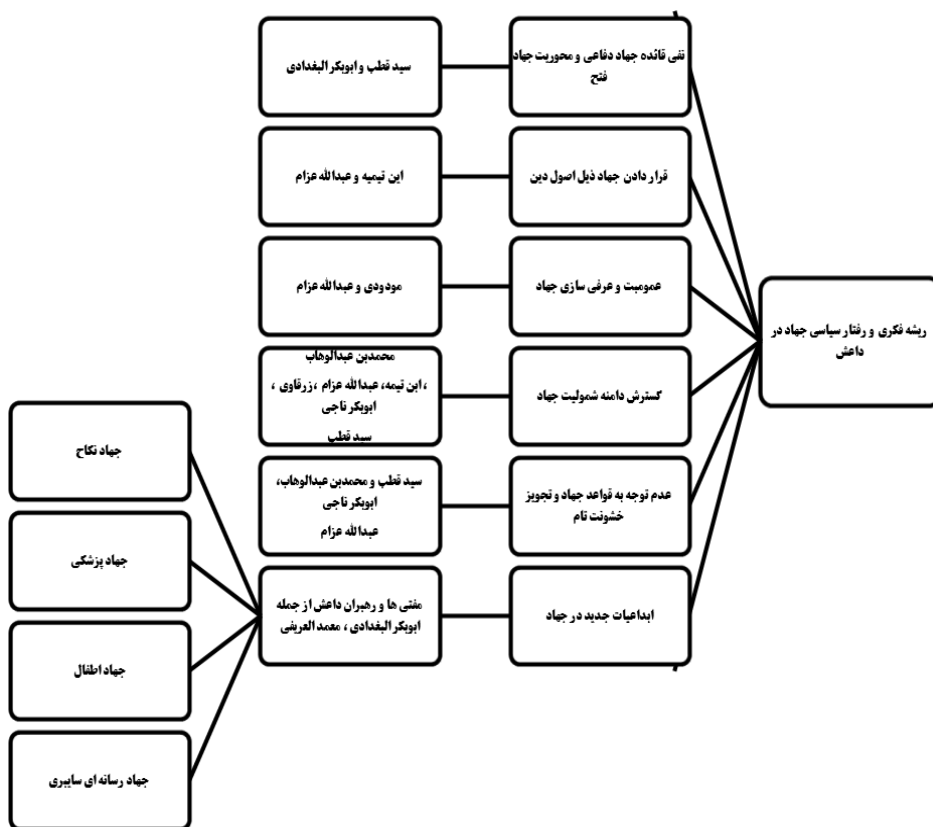
**جهاد پزشکی:** اطبا و پزشکان از جمله اولویت‌های گروه تروریستی داعش جهت جذب می‌باشند؛ زیرا این گروه‌ها از یک سو در درمان مجروحان جنگی و از سوی دیگر قاچاق اعضای بدن انسان به عنوان منبع درآمد مهم، کارآیی فراوانی دارند. بر این اساس، طی چند سال اخیر موارد متعددی از پیوستن دانشجویان پزشکی مقیم کشورهای آسیایی و اروپایی گزارش شده است. روزنامه گاردین و شبکه بی‌بی‌سی در ۱۳ مارس ۲۰۱۵ در گزارشی

پیرامون این مسئله از پیوستن ۱۷ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه خرطوم به داعش خبر دادند (Www. Fa.Alalam.Ir).

**جهاد اطفال:** هدف اصلی این اقدام تقویت بنیه تهاجمی داعش برای سال‌های آتی است. طبق آمار بدست آمده از گزارش‌های حقوق بشری، در حال حاضر بیش از ۸۰۰ کودک سوری توسط عناصر داعش جهت انجام فعالیت‌های نظامی به عضویت این گروه تروریستی درآمده‌اند. شبه نظامیان داعش با نام نوجوانان خلافت اسلامی به عضوگیری کودکان می‌پرداختند. از دیگر اقدامات داعش افتتاح مدرسه شریعت و جهاد می‌باشد. در این مدرسه نحوه استفاده از اسلحه، سربریدن و دروس عقیدتی حول محور مفهوم جهاد و بایستگی آن، به کودکان زیر ۱۰ سال آموزش داده می‌شد. نکته جالب توجه اینکه بسیاری از کودکانی که تحت آموزش عملی و عقیدتی داعش قرار داشتند، از خانواده‌هایشان به صورت کرایه گرفته شده بودند و ماهیانه مبالغی به خانواده‌های آنها پرداخت می‌شد (جهرمی، ۱۳۹۳).

**جهاد رسانه‌ای – سایبری:** رسانه در تاریخ خود همواره جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی به کار رفته است. امکانات رسانه‌ای جدید همچون اینترنت و فضای مجازی، امکان تأثیرگذاری بر افکار عمومی را که تاکنون در انحصار دولت‌ها بوده، برای افراد و گروه‌های دیگر نیز میسر کرده است. در عصر ارتباطات، گروه‌های تروریستی به منظور توسعه نفوذ خود در دنیای مجازی به این حوزه روی آورده و اقدام به جذب متخصصین کرده‌اند. ابوبکر ناجی به عنوان یکی از ثنوری پردازان داعش بر اهمیت رسانه و تبلیغات به عنوان یک ابزار ایدئولوژیک، جهت بسیج توده‌های مسلمان و سربازگیری از میان آنها در طول مرحله اول و دوم جنگ بزرگ - چنانچه ذکر آن رفت - و سپس کنترل و آرام کردن آنها در مرحله سوم، تحت یک حکومت متمرکز اسلامی تأکید می‌کند (Gerges, 2015). گروه تروریستی داعش از همان آغاز فعالیت‌های خود، رسانه‌های گوناگون را جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جذب نیرو به خدمت گرفته است. استفاده گسترده داعش از رسانه‌های مجازی و اینترنت، سبب شده است که برخی تحلیل‌گران، اینترنت را زمین بازی اصلی داعش بنامند (نجات‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۶). برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جذب افراد، عضوگیری و ارتباط‌سازی این شبکه تروریستی، ایجاد گروه‌های هک نظیر «خلیفه سایبری»، سرقت اطلاعات و تهدید افراد از جمله فعالیت‌های سایبری داعش است (اندیشکده سایبری سمر، ۲۵).

آذر ۱۳۹۴). طبق آمارهای موجود تعداد اعضای جذب شده به داعش از طریق شبکه‌های مجازی ماهانه ۳۵۰۰ نفر برآورد شده است. مرانامه رسانه‌ای داعش ماحصل و برآیندی از راهبرد سیاسی - نظامی این گروه جهت جذب نیرو در راستای قدرتمند ساختن صفوف جهادگران است که تحت تاثیر نظریه کتاب مدیریت توحش ابوبکر ناجی هستند (عشوری مقدم: ۱۳۹۳: ۴). این فضا به علت کاربران روزافزون و سرعت بالای انتقال پیام، مهمترین ابزار داعش محسوب می‌شود. پخش صحنه‌های کشتار مخالفان داعش، زنان و کودکان، بیعت اجباری مردم در شهرهای تصرف شده، ارسال اطلاعات هماهنگ و جهت‌دار به منظور ایجاد رعب و وحشت و بسیج افراد در پیوستن به این شبکه صورت می‌گیرد. اظهار عقاید و تفکرات افراطی و شبکه‌سازی انسانی و شناسایی افراد از مهمترین پیامدهای حضور داعش در شبکه‌های اجتماعی است. احمد ابوسمره یکی از متخصصان فرانسوی است که جهت جهاد سایبری به این گروه پیوسته است. وی آشنایی کاملی نسبت به اینترنت، کامپیوتر، فضای مجازی و جنگ روانی دارد و به همین دلیل داعش مسئولیت تولید و توزیع محتوا در شبکه‌های اجتماعی از جمله فیسبوک، توئیتر و یوتیوب را به او واگذار کرده است (خبرگزاری اهل بیت، ۲۰ مهر ۱۳۹۴). ماموریت وی ترغیب شهروندان اروپایی از طریق پایگاه‌های اجتماعی جهت پیوستن به داعش است. نمودار ذیل مبین ریشه‌های فکری و رفتار سیاسی جهاد در داعش به همراه مصادیق آن است.



نمودار شماره ۱: مبانی فکری و رفتار سیاسی جهاد از دیدگاه داعش

### نتیجه‌گیری

تأمل در رفتار سیاسی و اقدامات عملی داعش، معمای جهاد را به ذهن متبادر می‌کند. نگارندگان با هدف بررسی و کنکاش جنبه‌های پنهان این مقوله، سعی بر آن داشتند تا بر اساس روش کیفی تحلیل مطالعات تاریخی و اسنادی به این پرسش پاسخ دهند که مفهوم جهاد چه جایگاهی در مبانی فکری و رفتار سیاسی داعش دارد؟ در این مقاله ضمن بررسی ماهیت، روند ظهور و کلیت اندیشه سیاسی داعش به عنوان انشعابی از جریان القاعده و همچنین پیشینه موضوع، مؤلفه‌های نوظهور جهاد از منظر داعش واکاوی و نقد شد. کنکاش در اندیشه جهادی این گروه روشن می‌سازد که ریشه این مبانی در قرن‌های پیش نهفته است. از این رو رفتارهای جهادی این گروه به افرادی همانند ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، ابن

حنبل، سید قطب، مودودی، عبدالله عزام برمی گردد. هر کدام از این افراد پیروان خود را به رفتار خاصی در حین جهاد سوق داده‌اند. برآیند این موارد تحریف‌های صورت پذیرفته در جهاد با مؤلفه‌هایی همانند نفی جهاد دفاعی و تأکید بر جهاد فتح، گسترش دامنه شمولیت جهاد و در بر گرفتن جمعیت مسلمانان و بویژه شیعیان، عرفی و فردی سازی جهاد به ویژه اینکه هر فرد بنا به عقیده خود می‌تواند حکم جهاد بدهد بدون اینکه نیاز به اجازه حاکم اسلامی داشته باشد، قراردادن جهاد ذیل اصول دین و خارج ساختن آن از فرعیات، تجویز خشونت تام و عدم توجه به قوانین جهاد و ابداعات جدیدی نظیر جهاد نکاح، پزشکی، اطفال و سایبری می‌باشد که نمونه‌ای در سابق نداشته‌اند. ماحصل جملگی این موارد در اندیشه جهادی داعش چیزی جز تحریف مفهوم جهاد در اسلام و برداشت خودسرانه از آن نیست، لذا سنخیتی با جهاد مدنظر شریعتِ راستین ندارد و بدعتی آشکار و کفرآمیز در احکام الهی است.

## منابع

### الف - فارسی

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۳۰)، *العقیده الحمویة الکبری*، جده: دارالمنهاج.
- احمدی، علی، (۱۳۹۴)، «تأثیرات داعش بر جغرافیایی فرهنگی عراق و سوریه»، *فرهنگ اسلامی*، شماره مسلسل ۲۳.
- اکبری، حمیدرضا، (۱۳۹۵)، «چگونگی نقش آفرینی داعش در مناسبات سیاسی خاورمیانه»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال هفتم، شماره.
- آقاباقری، محمدجواد، (۱۳۹۲)، *دفاع پیش دستانه*، با بررسی فقهی و حقوقی شیوه‌های آن: *منازعات مسلحانه (جهاد)*، ترور و عملیات انتحاری (استشهادی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- آیتی، علیرضا، (۱۳۸۵)، «القاعده و تحلیلی بر تداوم ناامنی‌ها در عراق»، *ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۰۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- باقی، عمادالدین، (۱۳۹۳)، «تبری ابن تیمیه از گروه‌های تکفیری و تروریسم»، *مجله مهرنامه*، سال پنجم، شماره ۳۷.
- البکری، عبدالرحمان، (۲۰۱۵)، *داعش و مستقبل العالم*، المان: دارالغربا.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*، جلد نهم، قم: نشر اسراء.
- خلف، حسین، (۱۳۸۸)، *تاریخ الجزیره العربیه فی عصر الشیخ محمد بن عبدالوهاب (حیات الشیخه محمد بن عبدالوهاب)*، بیروت: دار ومکتبه الهلال.
- دانشیار، علیرضا، (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی جریان‌های تکفیری از دیدگاه مقام معظم رهبری»، در *مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام*، جلد ۵، قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البیت.
- دهقانی‌نژاد، مرتضی و همکاران (۱۳۸۷)، «جهاد و دفاع از دیدگاه میرزای قمی و مقایسه آن با آرای فقهی امام خمینی»، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۶۳.
- زرقاوی، ایمصعب، (۱۴۲۷)، *کلمات مضیئه؛ الكتاب الجامع لحطب و کلمات الشیخ المعتر بدینه ایمصعب*، شبکه البراق الاسلامیه التابعه للجیش الإسلامی فی العراق.
- ساوه درودی، مصطفی، (۱۳۹۳)، «گروهک تروریستی داعش؛ برآیند منازعات و ناامنی منطقه‌ای»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، سال سیزدهم، شماره ۴۵.

- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۶)، *تفسیر المیزان*، ج ۲، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- عباس زاده فتح آبادی، مهدی، (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (بانگاهی به القاعده عراق)»، *فصلنامه سیاست*، دوره سی و نه، شماره ۴.
- عباسی، محمود، (۱۳۹۳)، «سنخ شناسی داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، سال پانزدهم، شماره ۲، پایی ۵۸.
- عبدالملکی، پیام، (۱۳۹۲)، «علل گسترش دعوت محمدبن عبدالوهاب»، *پژوهش نامه نقد و هابیت*، سراج منیر، سال سوم، شماره ۱۲.
- علیخانی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، *اندیشه‌های سیاسی متفکران مسلمان*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- غروبی، نرگس و همکاران، (۱۳۹۳)، «دولت اسلامی در بیانات اسامی»، *گاهانه علمی - تخصصی سره*، شماره ۶.
- غفاری هشجین، زاهد و قدوسی علیزاده سیلاب، قدسی، (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی داعش)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره ۱۱.
- فاطمی نژاد، مجید، (۱۳۹۲)، «برداشت‌های القاعده از افکار جهادی سید قطب»، *پژوهش نامه نقد و هابیت*، سراج منیر، سال سوم، سال سوم، شماره ۱۲.
- فیروزجانی، عباس، (۱۳۸۲)، «بنیادهای فکری القاعده و هابیت»، *مجله راهبرد*، شماره ۲۷.
- مبینی کشه، زهرا و آجیلی، هادی، (۱۳۹۳)، «نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه»، *فصلنامه علمی - تخصصی حبل‌المتین*، سال سوم، شماره نهم.
- مرادی، مجید، (۱۳۸۲)، «تقریر گفتمان سید قطب»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ششم، شماره ۲۱.
- نجات پور، مجید و همکاران، (۱۳۹۳)، «پدیده داعش و شگردهای رسانه‌ای»، *فصلنامه مطالعات رسانه ملی*، سال اول، شماره ۱.
- نظام الدینی، زهرا، (۱۳۹۳)، «بررسی مبانی فکری تکفیر»، *فصلنامه حبل‌المتین*، سال سوم، شماره ۸.

- نظری، علی اشرف و المسیری، عبدالعظیم، (۱۳۹۴)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی»، علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۸.

#### ب- انگلیسی

- Gunarantan, Rohan, (2002), *Inside al Qaeda: Global Network of Terror*, New York, Colombia University Press.

- Zeidan, David, (2001), "The Islamic Fundamentalists View of Life as a Perennial Battle", *Middle East Review of International Affairs*, No, 4.

- Yoram Schweitzer and Shaul, Shay, (2003), *The Globalization of Terror: The Challenge of Algaeda and the Response of the International Country*, New Brunswick, London.

#### سایت:

- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۴)، «تکفیر هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد، در کنگره خطر جریان‌های تکفیری در دنیای امروز: مسئولیت علمای جهان اسلام»، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۵/۲/۱۲، قابل مشاهده در:

<http://Www.Mashreghnews.Ir/Fa/News/528586>.

- عباسی، حبیب، (۱۳۹۰)، «وهابیت و تکفیر شیعه»، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۲/۱۲، قابل مشاهده در: <http://Old.Jamnews.Ir/Nsite>.

- حدادپور جهرمی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، «شیوه آموزش مدیریت توحش توسط روحانیون داعش»، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۱۱/۱، قابل مشاهده در:

<http://Mrhadadpoor.Parsiblog.Com/Posts/93/%D8%B4%D9%8A%D9%88%D9%87+%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4+%C>.

- شریفیات، عبدالمحمد، (۱۳۹۴)، «موضع داعش نسبت به اسرائیل، پایگاه پژوهشی وهابیت پژوهی»، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۱۱/۱۲، قابل مشاهده در:

<http://Alwahabiyah.Com/Fa/Question/View/>.

----- (۱۳۹۴)، «سایبر به مثابه رگ‌های حیاتی داعش»، اندیشکده سایبری سم، تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴، قابل مشاهده در:

<http://Www.Samarthinktank.Com/Det/5/Isis-Cyber>.

----- (۱۳۹۴)، «شناسایی مسئول تبلیغات رسانه‌ای داعش»، خبرگزاری اهل بیت . [WWW.Fa.Abna24.Com](http://WWW.Fa.Abna24.Com)، قابل مشاهده در: ۱۳۹۴/۱۱/۱۴.



----- (۱۳۹۴)، «پزشک استرالیایی داعش، هموطنانش را نگران کرد»، خبرگزاری العالم،

(تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵)، قابل مشاهده در: <http://Fa.Alalam.Ir/News/1698431>.

- Gerges, Fawaz, (2015), "The World According to ISIS", *Foreignpolicy Journal*, available at: <https://www.Foreignpolicyjournal.com/2016/03/18/The-World-According-To-Isis>.

- Diemen, Renee, (2012), "Political and Religion in Saudi Arabia", available at: [www.Lboro.Ac.Uk.../11euc664%20essay](http://www.Lboro.Ac.Uk.../11euc664%20essay).

- Azzam, Abdullah, (2013), "Joint The Carevan: Al-Jihad Feisibillah", available at: <http://Relioscope.Com/Info/Doc/Jihad/Azzam-Carevan>.